

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۱۷ اسفند سال ۱۳۹۶

عنوان: از کتابت تا کتیبه

سخنرانان و اعضای پنل: هوشنگ مهر اردلان، شهاب‌الدین ارفعی، علیرضا مددی، انوش جهانشاهی و غزل ارفعی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

سخنران اول: مهندس هوشنگ مهر اردلان

هم نوا، هم نایی، شدیم
همسفر گشتیم دریایی شدیم

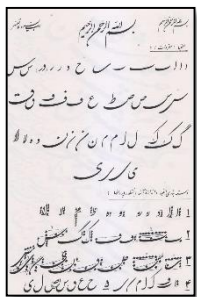
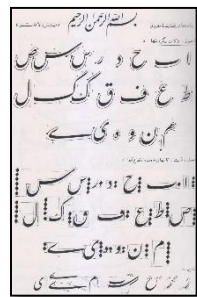
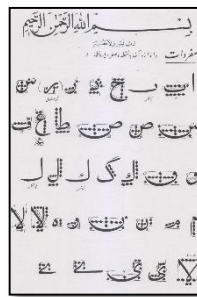
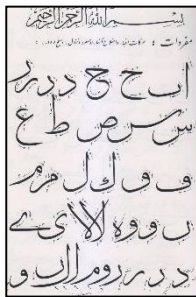
طب سودا وس سودایی سودایی شدیم
قطره‌ها بودیم چون با یکدیگر

سخنران دوم: مهندس شهاب‌الدین ارفعی

مطلبی که امروز می‌خواهم در مورد آن صحبت کنم از کتابت تا کتیبه است، شاید لازم باشد در ابتدا کتابت را توضیح دهیم تا به کتیبه برسیم.

خطی کوفی خطی است که تحت عنوان حجازی در جامعه اسلامی شناخته شده و تقریباً فراموش شده است. استاد مددی استادی مثل استاد خورش را داشتند و کسانی که امروز کوفی می‌نویسند هیچ استادی نداشتند. یعنی ما از قرن سوم یا چهارم تا امروز یک وقفه‌ای طولانی داریم. امروز از اثری و آثاری که در این حوزه باقی مانده و توانستیم رمز گشایی کنیم یا به نحوی با استاد به آن سعی کردیم الگوها و قواعدش را در آوریم، صحبت خواهیم کرد.

در ایران و در حوزه‌ای که هستیم معمولاً چهار خط و چهار شیوه خوشنویسی را می‌شناسیم. خط ثلث که خط آشنایی برای ما است که بیشتر در کتیبه‌ها، مساجد و در نوشته‌های خاص می‌بینیم. در خط ثلث ما استادان زیادی داریم مثل استاد موحد. این خط در کشور ترکیه بسیار پیشرفت داشته است. امروزه در مصر خط پیش‌رفته‌ای است که خوشنویس‌هایی در عراق از آن تبعیت می‌کنند. خط نسخ درحقیقت به نحوی برای ما خط پایه است. البته بیشتر برای نگارش قرآن از آن استفاده می‌کنند. یک مطلبی را جالب است ذکر کنم و یادی از روان شاد باغچه‌بان الگویی که امروزه در کتاب‌های درسی ما تدریس می‌شود برگرفته از خط نسخ است. ولی نسخی که ساده شده است برای اینکه بتواند به موضوع اشاعه پیدا کند. یعنی دانش‌آموزان کلاس اول به راحتی با خط آشنا می‌شوند این خط نسخ در کشور ما بسیار رایج می‌باشد. خط بعدی نستعلیق است که حوزه کاری این خط آقای مهندس مددی می‌باشد که خودشان صحبت خواهند کرد. الگوی بعدی خط شکسته نستعلیق است که خاص ایران است. خود خط نستعلیق هم عموماً در ایران و تا یک محدوده‌ای در تاجیکستان، پاکستان و هندوستان به یک فرم‌ها یا آناتومیک که خیلی برای ما مانوس نیست رواج دارد. برای اینکه راحت‌تر تجسم کنیم به عنوان مثال پشت پاکت بعضی از جای‌ها به خط نستعلیق نوشته شده است که کمی هم عجیب و غریب می‌آید ولی این الگویی است که می‌بینیم.



در کشورهای اسلامی ما دیگر خط نستعلیق و شکسته نستعلیق نداریم. ما محقق ریحان داریم، ثلث، توقیع، اجازه، رفاع و خطوط دیگری هم هستند. ما خطی را که بیشتر به آن خواهیم پرداخت خط کوفی است. که یک جدول مقایسه‌ایی برای الف و بای که در بقیه خطوط آشناتر است و در خط کوفی یا حجازی که کمی به چشم ما آشناتر است. افرادی مثل آقای موسوی جزایری که سال‌ها زندگیشان را برای استخراج این خط از متون مختلف گذاشته‌اند. ولی اینکه در زمان خودشان چگونه می‌نشستند برای ما بسیار پیچیده است یا حداقل مستندات وجود ندارد که ما در این زمینه بتوانیم به آن بپردازیم. ما در حقیقت از قلم کوفی هم صحبت کنیم ما خود خط کوفی را نمی‌توانیم تشخیص دهیم که چگونه می‌توانستند.

قلم کوفی در حقیقت قلمی است که صاف، صاف می‌باشد. یعنی مُحَرَّب نیست و این چیزی است که مرحوم استاد فضایی تشخیص داده بودند. که انواع قلم بُرشش این است که آخرش هم به کوفی یا حجازی می‌رسد. الگوی دیگر که استاد جزایری به آن می‌پردازد قلمی است شبیه قلم نستعلیق با تفاوت اینکه ضخامت اجزای مختلفش با هم فرق می‌کند. یک نوع قلمی است که در محاوره به آن قلم پارویی می‌گویند. در مصر یک دانشکده‌ای است که خوشنویسی تدریس می‌کند. آنها دوتا الگوی قلم دارند که قلم پارویی را سرش را با آلومینیوم در ست کردند و استفاده می‌کنند. البته برای اینکه مرکب به آن می‌خورد و دوام داشته باشد، در یک پارچه ابریشمی می‌دوزند و آن پارچه است که برای نگارش قلم روی کاغذ کشیده می‌شود. بعضی از قلم‌ها تراشش از چوب خورده است و برای اینکه مرکب را در خودش نگه دارد.

خط کوفی که ما از آن صحبت می‌کنیم از نمونه‌ها استخراج شده است. یعنی کسی به ما یاد نداده است، کسانی که هم اینها را می‌نویسند خیلی دسترسی به منابع اصلی ندارند. جدولی است که نمونه‌های کوفی مختلف را تقسیم کرده‌اند و حروف کنار هم قرار گرفته است و یک جدول مقایسه‌ای تولید شده است. موضوع جالب در خط کوفی این است که عدد ندارد. یعنی عدد را می‌توان نوشت، یعنی اینکه عدد هفت را بتوان کشید چنین چیزی وجود ندارد. خط کوفی شاید اشتباه آمده و این خط معمولاً از آرامی آمده است که در شبه جزیره عربستان و شمال آفریقا بوده است. کوفی را می‌دانیم بعد از اسلام ایجاد شده است. این خط در شبه جزیره به نام خط مجازی شناخته شده است. که متعلق به شمال آفریقا می‌باشد.

این خط در حقیقت برای قبل از اسلام می‌باشد وقتی تصمیم به نگارش قرآن گرفته می‌شود از افرادی که این خط را بلد بودند کمک گرفته شد. ما به روایتی خط کوفی را دست نوشته عثمان داریم که حتی گفته می‌شود یک نسخه از آن در ایران می‌باشد. الگوهای داریم متعلق به امام حسین و امام حسن (ع) که یکی در موزه بانک ملی است. آستان قدس مجموعه‌ای بسیار غنی دارد. بزرگترین مجله متعلق به فردی به نام آقای خلیلی است که در انگلستان نگهداری می‌شود. یک بخش از این خطوط هم در موزه‌های فرانسه می‌باشد. که در ایران هم در موزه ملی وجود دارد. الگویی که مبنای ما است که امروز از آن استفاده می‌کنیم متعلق به قرن سوم هجری می‌باشد. چند تا نمونه را با هم مرور می‌کنیم. در بعضی از خط‌ها ما نقطه نداشتیم ولی مثلاً ۱۰۰ سال بعد تصمیم گرفته می‌شود برای راحتی و خواندن از نقطه استفاده شود. اعراب هم برای تلفظ کلمه‌ها از کسره‌ها استفاده می‌کردند.



سخنران سوم: مهندس علیرضا مددی

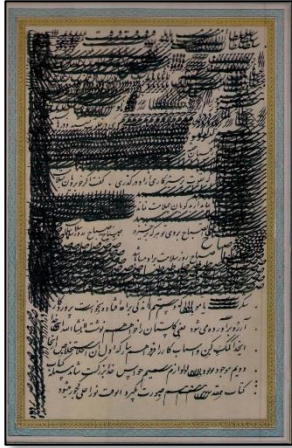
خوشنویسی نستعلیق از زمانی که به وجود می‌آید تا دوران صفوی که به اوج خودش می‌رسد توسط میرعماد یک مشخصات خیلی خاص و روشنی دارد. اینکه به لحاظ فنی چگونه بوده است؟ به لحاظ نوشتاری چگونه می‌باشد؟ نستعلیق اولیه توسط میرعلی تبریزی، سلطان علی مشهدی، میرعلی هروی تکامل پیدا می‌کند و اینها افرادی هستند که قله‌های این دوران می‌باشند. تا به دروان صفوی می‌رسد که دست میرعماد حسنی به اوج خودش می‌رسد و کامل می‌شود در واقع، که در خوشنویسی مکتب میرعماد می‌گویند.

ما به طور کلی در نستعلیق دو مکتب داریم. مکتب میرعماد و مکتب کلهر. در خوشنویسی نستعلیق شیوه‌های مختلفی وجود دارد. هر کسی سلیقه خودش را در قالب دو مکتب میرعماد و مکتب کلهر اعمال کرده است تا دوران صفوی که به اوج خودش می‌رسد و کامل می‌شود. میرعماد نمونه‌های فراوانی نوشته است. هنوز در مکتب میرعماد کتابت جایگاه موزه‌ای دارد. هنوز به زندگی مردم عادی خیلی وارد نشده است. دلایل مختلفی دارد که یکی به خاطر اینکه اصولاً مکتب میرعماد و نستعلیق در این مکتب موزه‌ای است. البته این کارهای موزه‌ای که می‌نویسند خیلی ظریف، زیبا و به لحاظ زمان بسیار پرکار است و کاربرد اینها بسیار کم می‌باشد. در زندگی روزمره، در میانه دوران قاجار و در زمان ناصرالدین شاه مکتب کلهر به میرزا محمد کلهر که در حال حاضر یک خوشنویس بسیار مشهوری است می‌رسد. اما زمانی که شروع به کار می‌کند زیاد مشهور نبوده است. کارهای کلهر در ابتدا در مکتب میرعماد می‌باشد. یعنی از تهران به قزوین می‌رفته و سنگ قبرهایی را که میرعماد نوشته بود را می‌بیند کپی کرده و آنها را مشق می‌کند. می‌توان گفت استاد معروفی نداشته است. روایت‌های مختلفی است که آیا به خاطر چاپ شیوه خودش را تغییر داد و یا چیزهای دیگر. کلهر وقتی از روی میرعماد این شیوه را مشق کرد، این مکتب را خیلی نپسندید. در میانه راه شیوه خودش را آرام آرام بنیان کرد و این با مسئله ورود چاپ به ایران مقارن شد. کلهر در دوران ناصرالدین شاه زندگی بسیار ساده‌ای داشت و زیاد به دربار وابسته نبود و فردی بسیار قانع و خاصی بود. کلهر مجبور می‌شود به اجبار زمانه همراه ناصرالدین شاه به خراسان و کربلا برود و سفرنامه ناصرالدین شاه را بنویسد. روزنامه اردوی همایون را کلهر می‌نوشته و به دلیل اینکه چاپ تازه وارد ایران شده بود و در چاپ سنگی یک مُرکَب بسیار خاص وجود داشته و در آن زمان شاهد مربا بوده است. اصل نوشته‌ها وقتی چاپ می‌شد از بین می‌رفته است به همین دلیل آثار کتابت کلهر به هیچ عنوان باقی نمانده است. ولی سفرنامه‌هایی مانند سفرنامه خراسان و کربلا و شماره‌هایی از روزنامه اردوی همایون که با چاپ سنگی بوده است وجود دارد.

کلهر خط و کتابت را وارد زندگی مردم می‌کند، به طور ناخودآگاه وارد مکاتبات روزمره می‌شود و با آن کتاب می‌نویسند، روزنامه چاپ می‌کنند و یک تغییرات در شیوه و نگارش خط نستعلیق پیدا می‌شود. کلهر آثار موزه‌ای را در سطح عموم جامعه می‌آورد و نستعلیق را به خاطر همان مرکبی که می‌نوشته است به اصطلاح گوشتی‌تر می‌کند. کلهر وقتی قلم را می‌تراشید و فاق می‌زد، شیاری وسط قلم ایجاد می‌شد که بر اثر فشار دست، آن فاق وسط قلم به وجود می‌آید. کلهر به دلیل اینکه مرکب روان شود مویی داخل آن فاق می‌ریخته که مرکب جریان پیدا کند. کلهر بسیار کار کرده است و معروف هست که روزی ۱۷ تا ۱۸ ساعت می‌نوشت و خطی که خودش در نستعلیق بنیان کرده به کمال رساند. کلهر در کتابت و در قطعه‌نویسی سعی کرده است کلمات جدیدی بنویسد و شکل جدیدی از کلمات را به وجود آورد. ترجیح داد که کلمات جدیدی به وجود آورد، برش‌های جدید در کلمات به وجود آمده و شکل جدیدی از کلمات را ارائه دهد. به کلهر میراثی رسید که این میراث برایش فایده‌ای نداشته ولی چون نمی‌خواست شبیه آن بنویسد و می‌خواست شکل دیگری بنویسد که مختص خودش باشد. یعنی همان دو مکتب: مکتب میرعماد و مکتب کلهر.

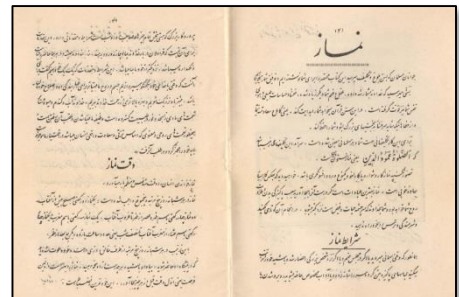
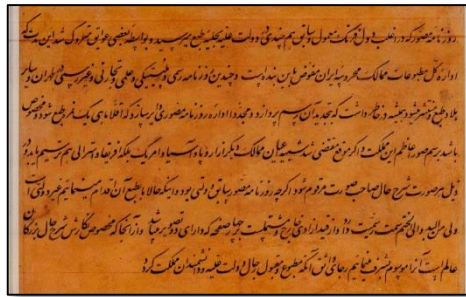
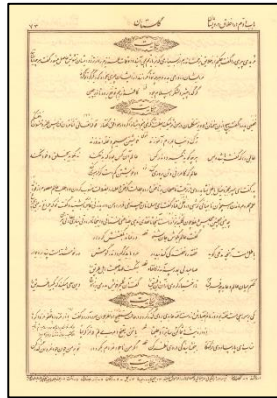
در مکتب کلهر شیوه‌های مختلفی وجود دارد تا به عماد الکتاب می‌رسد. عماد الکتاب یک خوشنویس به نام میرزا محمدحسین خان صیفی قزوینی است که مظفرالدین شاه به او لقب عماد الکتاب (ستون کاتبان) می‌دهد. عماد در زمان ناصرالدین شاه به دنیا می‌آید. به بغداد می‌رود و زندگی ناآرامی را سپری می‌کند. در بغداد بیشتر ثلث و نسخ می‌نوشته ولی وقتی در زمان مظفرالدین شاه به ایران آمد شاهنامه می‌نوشت. البته هنوز کار شاهنامه نویسی او کیفیت نداشت به دلیل اینکه تازه شروع کرده بود و اول راه بود. عماد در زمان خودش پنج پادشاه تا دوره پهلوی اول را می‌بیند. البته در زمان قاجار دوره‌ای در زندان سپری می‌کرد، آثاری به وجود می‌آورد که بسیار ارزشمند است که نشان دهنده حوصله یک سیاه مشق تا کتابت است.

اگر بخواهیم از کتابت شروع کنیم شما از ریزترین قلم که حدود نیم میلیمتر به اصطلاح غبار می‌شود. از نیم میلیمتر تا حدود نزدیک یک میلیمتر کتابت خفی می‌شود. از یک میلیمتر تا یک و نیم میلیمتر کتابت می‌شود که رنج معمول کتابت است. از حدود دو میلیمتر سرفصلی یا قلم جادو می‌شود و بعد از دو میلیمتر تا شش میلیمتر مشقی صفحه می‌شود و بعد از شش میلیمتر تا دو سانت جلی صفحه می‌شود و بالاتر از دو سانتیمتر کتیب می‌شود. حالا شما فکر کنید یک قلم یک میلیمتری به شش قسمت تقسیم می‌شود که بسیار مشکل است. یک فردی مثل عماد در زندان در همان سختی‌ها آثار بسیار زیبا به وجود آورد. بعد از زندان معلم ولیعهد می‌شود. معلم خود رضا شاه می‌شود. آثار نفیسی به وجود می‌آورد که عبار این کارها در واقع در مکتب کلهر ولی با شیوه و سلیقه عماد الکتاب است. وقتی کارها را با هم مقایسه می‌کنید می‌بینید که هرچه جلوتر می‌رود کارها ظریف‌تر و بهتر می‌شود. این میراثی است که از کلهر به عمار می‌رسد. و او را در جایی قرار می‌دهد که کمتر کسی به آن دسترسی دارد.



به سیاه مشقی که عماد در زندان نوشته است مشق خرت خرت می گفتند یعنی آنقدر روی هم می نوشت که دیگر جای خالی وجود نداشته باشد. البته کلهبر هم این کار را زیاد انجام داده است. گفته شده که مثلاً حرف "ی" را آنقدر نوشته تا خودش از یکی خوشش می آمد و آن را سرمشق کرده و تمرین می کرد. این کار را به دلیل پرکاری آنقدر انجام می داد تا به آن چیزی که خودش می خواهد برسد.

در دوران معاصر استاد حسین میرخانی که پدر ایشان شاگرد کلهبر بود. استاد حسین و استاد حسن میرخانی دو برادر بودند که از پدرشان آموزش گرفتند و هر دو از پدر بهتر می نوشتند. استاد حسین یک جمله معروفی دارد که پهلوانی خط کتابت است. می گفتند کسی که در زورخانه خوب میل می زند در زورخانه به او پهلوان گفته می شود. پهلوان در زورخانه یک نفر است که شاید خیلی خوب هم میل نزند یا حرفه ای نباشد ولی واجد یک سری خصوصیت است که نام پهلوان را با خودش می گیرد. استاد حسن میرخانی که حدود ۸۰ کتاب و جزو نوشته که از این کتابها مثنوی مولوی، خمسه نظامی، کلیات سعدی می باشد.



شما فکر کنید ۶۰ هزار بیت نوشتن در اینکه یک مثنوی شود و در هر صفحه حدوداً ۴۴ بیت است که ۴ ستونی نوشته می شود چه زحمتی می برد. شاید سوال پیش بیاد که اگر یک کلمه اشتباه نوشته شود چه اتفاقی م یافتد؟ این کتابت ارزشش به کل آن است و هیچ کاتبی نیست که بگوید از کل صفحه خودم ۱۰۰ درصد آن را می پسندم. شاید در یک صفحه شما ۱۰۰ تا "ن" بنویسد، از این کلمه شاید یکی، دوتا، پنج تا خراب شود. به هر حال دست است و شاید یک لحظه اشتباه کند ولی مهم مجموع صفحه است. مهم این است که سطر اول و آخر با هم تفاوتی نداشته باشد.

به هر حال قلم خورده می شود، ممکن است اول صفحه قلم تیز باشد و شما ۱۴ سطر می نویسید و قلم خورده شود یا اینکه قلم روی کاغذ ننشیند و ... به هر حال جایگاه کتابت بسیار بالاست.

سخنران چهارم: مهندس انوش جهانشاهی

ایشان در این نشست موسیقی بسیار زیبایی نواختند و دیگران بزرگواران به خطاطی پرداختند که تصاویر از خطاطی و ساز را برای شما به

تصویر می‌گذاریم.



سخنران پنجم: مهندس غزل ارفعی

ایشان یک طرح را با پدرشان خطاطی کردند که این طرح جدید نوعی از نظر ایشان نبود. تاریخچه این طرح مربوط به دوره تیموری و قبل از آن می‌باشد. ما در ایران نمونه‌های بسیار زیادی در گذشته داشتیم. که این روزها دیگر روی کاغذ مشاهده نمی‌شود بیشتر روی بناها، دیوارها می‌توانیم پیدا کنیم.

در دوره تیموری خط کوفی بسیار مرسوم بوده است و بعد از آن این خط بسیار کم‌رنگ شد و بیشتر به سمت نستعلیق، خط ثلث و خط نسخ رفت. در دوره تیموری تزئینات بسیار پیشرفت می‌کند و ما اوج این هنر تزئینات را در کتابت و شاهنامه پیدا می‌کنیم که در حال حاضر در ایران و در موزه‌ها وجود دارد. بناهایی که بیشتر می‌توان تزئینات قبل از دوره تیموری را درونش پیدا کرد بیشتر در جنوب ایران و در شبه جزیره عربستان است. در خیلی از این بناها ما اشکال بسیار ساده در این بناها پیدا می‌کنیم و تزئینات پیچیده‌ای ندارند. تزئینات بعضی اوقات با رنگ‌ها ترسیم می‌شوند. این رنگ‌ها مختلف است در بعضی از بناها رنگ مشکی و یا طلایی استفاده می‌شد ولی به دلیل اینکه در آن زمان دانش کافی برای ماندگار کردن بنا وجود نداشته است رنگ‌ها به مرور زمان از بین رفته است. همان‌طور که در تصاویر زیر مشاهده می‌کنید هیچ چیز در اشکال وجود ندارد. بسیار ساده و ابتدایی ولی به اندازه کافی زیباست.

محرابی است در شبه جزیره عربستان که ترکیب بسیار ساده دارد ولی در عین حال بسیار زیباست. خطوط بسیار ساده و بسیار خام ولی یک زیبایی خاصی دارد. من از ایده‌هایی که گرفتم سعی می‌کنم یک شیوه‌ای را خودم در نوشتن، ایجاد کنم

